Language Art,2(2):pp.55-68, 2017, Shiraz, Iran
DOI: 10.22046/LA.2017.12
فصلنامه هنر زبان، دوره 2، شماره 2، سال 2017، از صفحه 55 تا 68

مروری بر پژوهش‌های زبان‌شناسی جنسیت

روزبه مرادی[1]
دانشجوی کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه پیام نور،
تهران، ایران

(تاریخ دریافت: 21 اسفند 1395؛ تاریخ پذیرش: 10 اردیبهشت 1396)

زبان‌شناسی جنسیت یکی از شاخه‌های موردتوجه در حوزهٔ جامعه‌شناسی زبان است که به مطالعهٔ تأثیر متغیر جنسیت بر ایجاد گوناگونی‌های زبانی می‌پردازد. از آنجا که بیشتر مفاهیم اجتماعی‌فرهنگی و ازجمله مفهوم جنسیت، مفاهیمی چندبعدی هستند، برداشت‌های تک‌بعدی و مطلق از این مفاهیم منجر به نوعی سطحی‌نگری به‌ویژه در حوزه‌های پژوهشی می‌شود. در این مقاله ابتدا به بیان نظریات دو چهرهٔ برجسته در این حوزه می‌پردازیم (رابین لیکاف 1975 و دبورا تانن 1990) و سپس می‌کوشیم با کنکاشی در جدیدترین پژوهش‌های صورت‌گرفته (2008تا2016) وضعیت این رشتهٔ مطالعاتی را روشن نماییم. نتیجهٔ این بررسی نشانگر این امر است که پژوهشگران حوزهٔ زبان‌شناسی کاربردی بیش از دیگران علاقه‌مند به بررسی تأثیر و نقش جنسیت در زبان بوده‌اند و این تأثیر را به‌ویژه درزمینهٔ آموزش زبان دوم موردتوجه قرار داده‌اند؛ اما این حوزهٔ مطالعاتی نقیصه‌های متعددی دارد که مهم‌ترین آن‌ها نادیده‌انگاشتن نظریه‌های جنسیتی مطرح است..

واژگان کلیدی: زبان‌شناسی جنسیت، زبان‌شناسی کاربردی، نظریه‌های جنسیتی، ساختارهای زبانی، کاربرد زبانی.

[1]E-mail: info@rmoradi.ir

مقدمه

پژوهش در زمینهٔ رابطهٔ زبان و جنسیت از حدود دههٔ 60 میلادی در ایالات متحده آغاز شد و از آن پس به‌سرعت در سرتاسر اروپا و آمریکا به بحث داغ زبان‌شناسان، چه نظری و چه کاربردی، تبدیل شد (لونگوباردی[1] و دیگران، 2016). پس از چند دهه و به‌دنبال افزایش کمی تعداد آثار تألیف‌شده در این زمینه، برخی از پژوهشگران به فکر افتادند تا در قالب تک‌نگاره‌هایی به فهرست‌نگاری و معرفی و بررسی مجموعهٔ آثار پیش از خود همت بگمارند. از میان این آثار، درمیان محققان ایرانی می‌توان به مقالهٔ داوری‌اردکانی (1387) اشاره نمود که در آن در درجهٔ اول به معرفی لایه‌های مختلف زبان‌شناسی جنسیت و به‌بیان‌دیگر جنبه‌های مختلف مسائل زبان و جنسیت می‌پردازد و سپس با تمهید این پایگاه نظری می‌کوشد که وضعیت این رشتهٔ مطالعاتی نوپا را در پژوهش‌های ایرانیان روشن نماید. با مراجعه به منابع این مقاله می‌توان دریافت که ایشان آثار منتشرشده پیش از خود را بررسی و معرفی نموده است و پسندیده خواهد بود اگر آثاری را که پس از انتشار این مقاله تا امروز ارائه شده‌اند، بررسی و معرفی کنیم.

تلاش ما در این مقاله این است که مقالات پس از سال 2008تا2016 را که تقریباً یک سال پس از جدیدترین منبعی که داوری‌اردکانی (1387) در کتاب‌نامه‌اش آورده، معرفی نماییم و به جنبه‌های مختلف این رابطه بپردازیم و آن‌ها را به‌ترتیب تاریخ از قدیم به جدید معرفی کنیم و محتوایشان را توصیف نماییم. گرچه نه ما و نه هیچ‌کس دیگر شاید نتواند ادعا کند هر آنچه در این بازهٔ 9ساله منتشرشده را می‌تواند بیابد؛ ولی تلاش کرده‌ایم آنچه را که امکان دسترسی به آن‌ها فراهم بوده ببینیم و اجمالاً معرفی نماییم.

پیش از ورود به بررسی ابتدا لازم است دو نظریهٔ معتبر و شناخته‌شدهٔ دههٔ 70 و 90 میلادی را به‌اجمال معرفی نماییم. نظریهٔ نخست متعلق به رابین لیکاف[2] (1975) است که مبنای بسیاری از پژوهش‌های انجام‌گرفته در این حوزه قرارگرفته است. او در مقاله‌اش 10 پیش‌فرض بنیادی را دربارهٔ آنچه به زعم او زبان یک زن را می‌سازد، بیان نمود. بیشتر پیشنهادهای لیکاف با نظریات یسپرسن[3] همسو بود. این پیش‌فرض‌ها بدین ترتیب‌اند:

1. *پرچین‌ها*[4]: عباراتی مثل «sort of»، «kind of»، «It seems like» و جز آن‌ها
2. *صورت‌های (فوق) مؤدبانه*: «Would you mind…»، «I'd appreciate it if …»، «if… you don't mind»
3. *سؤالات کوتاه*: «You're going to dinner, aren't you?»

---

[1] Longobardi
[2] Robin Lakoff
[3] Jespersen
[4] Hedges

4. *با تأکید در سخن‌گفتن*: تأکید با زیر و بمی گفتاری مساوی است با زیرخط‌دارکردن کلمات در نوشتار – so، very، quite

5. *صفات تهی*: divine، lovely، adorable، و جز آن‌ها

6. *دستور و تلفظ فوق‌صحیح*[1]: دستور زبان کلاس انگلیسی و تلفظ شفاف

7. *نبود حس شوخ‌طبعی*: زنان به‌خوبی جک تعریف نمی‌کنند و اغلب نکتهٔ جک را درک نمی‌کنند.

8. *نقل‌قول مستقیم*: مردان بیشتر تفسیر می‌کنند.

9. *واژگان خاص*: زنان واژگان بیشتری برای چیزهای مثل رنگ‌ها و مردان واژگان بیشتری برای ورزش و امثال آن به‌کار می‌برند.

10. *آهنگ سؤالی در جمله‌های خبری*: زنان با بالابردن آهنگ صدا در پایان جمله‌های خبری، آن‌ها را به سؤال تبدیل می‌کنند تا نشان دهند که مطمئن نیستند. برای مثال، « What school do you attend?»، «Lafayette College?»

لیکاف معتقد بود که بانوان عموماً از نوعی سبک زبانی برخوردارند که در آن از الگوهای کلامی گفته‌شده استفاده می‌کنند. بااین‌حال، او این حقیقت را انکار نکرد که در برخی موارد زنان از همه یا حتی بعضی از این الگوها تبعیت نمی‌کنند. مشاهدات وی با بسیاری از مشاهدات یسپرسن همسو هستند و امروزه از سوی بسیاری از محققان و دانشمندان تأیید می‌شوند.

نظریهٔ دوم مربوط به دبورا تانن[2] است که به‌عنوان دانشجوی لیکاف با پژوهش‌های استادش درزمینهٔ جنسیت و زبان آشنا شد. پیش از آن، تانن کتابی را دربارهٔ سبک‌های محاوره‌ای نوشته بود که فقط یک فصل آن را به تفاوت‌های جنسیتی اختصاص داده بود. نظریهٔ تفاوت را که تانن در کتابش (1990) به آن می‌پردازد، می‌توان درقالب 6 مقوله خلاصه کرد که هر یک کاربرد زبان توسط زنان و مردان را جفت می‌کند:

1. *جایگاه در مقابل حمایت*: جهان برای مردان مکانی است رقابتی که محاوره و گفتار برای ساختن جایگاه به‌کار می‌رود؛ درحالی‌که برای زنان، جهان شبکه‌ای از روابط است و زبان را برای جستن و دادن حمایت به‌کار می‌برند.

2. *توصیه در مقابل درک*: زنان به‌دنبال راحتی و همدردی برای مشکلاتشان هستند؛ درحالی‌که مردان به‌دنبال راه‌حلی برای آن مشکل.

---

[1] Hypercorrect
[2] Deborah Tannen

3. *اطلاعات درمقابل احساسات:* محاورهٔ مردان پیام‌محور و مبتنی‌بر انتقال اطلاعات است؛ ولی نزد زنان، محاوره بیشتر برای ایجاد رابطه و تقویت ارتباطات اجتماعی است.

4. *تعارض درمقابل آشتی:* اکثر زنان از تعارض زبانی اجتناب می‌کنند و درعوض تلاش می‌کنند اختلافات را بدون تقابل مستقیم حل کنند تا رابطهٔ مثبت را حفظ نمایند. مردان بیشتر درمعرض استفاده از تقابل برای حل اختلافات و وضعیت مناقشه هستند.

5. *دستور درمقابل پیشنهاد:* مردان درهنگام صحبت، از ساخت‌های امری مستقیم استفاده می‌کنند؛ حال آنکه زنان مشتاق‌اند از صورت‌های فوق (مؤدبانه) استفاده کنند.

6. *استقلال درمقابل صمیمیت:* عموماً مردان استقلال را می‌پسندند؛ درحالی‌که زنان بیشتر به‌دنبال صمیمیت و انجام امور با مشورت همسرشان هستند.

مرور مقالات سال‌های 2008تا2016 میلادی

مقالات سال 2008 میلادی

لیکاف در فصلی با عنوان «زبان، جنسیت و سیاست» از کتاب زبان و جنسیت (انتشار الکترونیکی 2008) ابتدا به بیان کلیشه‌ای می‌پردازد که نشان می‌دهد مردان بیشتر از زنان مناسب قدرت هستند و جست‌وجوی قدرت و به‌دست‌گرفتن آن برای مردان درست و طبیعی است؛ درمقابل، برای زنان انجام این کار عجیب است و سبب می‌شود تا جامعه آن زن را خطرناک و غیرزنانه ارزیابی کند. در این بین نوشته‌هایی از نویسنده‌های برجسته‌ای نظیر کونلی[1]، اوبار[2] و لیند[3] (1979) و براون[4]، لوینسون[5] (1986) در مورد رابطهٔ میان جنسیت و قدرت را ارائه می‌دهد. لیکاف بیان می‌کند که زبان انعکاس‌دهندهٔ کلیشه‌ها است و بر بقای آن‌ها تأثیر دارد. برای نمونه می‌توان از تفاوت‌های واژگانی موجود درهنگام صحبت از رابطهٔ مردان و قدرت، زنان و قدرت یادکرد. همچنین، ما انتظارات متفاوتی از مردان و زنان برای شیوه‌ای که آن‌ها از طریق رفتار زبانی اندیشه‌های خود را انتقال می‌دهند، داریم. اگرچه تلویزیون و رادیو ممکن است مخاطبان گسترده‌تر و تأثیر فراگیرتری در اعتقادات آن مخاطبان داشته باشند؛ اما وی برای بررسی این موارد از رسانه‌های چاپی استفاده می‌نماید. او سخنان کلینتون[6] را برای مطالعهٔ موردی انتخاب نموده است و درنهایت، به این نتیجه می‌رسد که برداشت از کلینتون این است که او نقطه‌ی تلاقی مجموعه‌ای از تضادهاست که زنان هنوز نتوانسته‌اند حل کنند درحالی‌که سیاست‌مداران مرد،

[1] Conley
[2] O'Barr
[3] Lind
[4] Brown
[5] Levinson
[6] Clinton

به‌ندرت مجبور به انجام چنین انتخاب‌های ظریف و خطرناکی می‌شوند.

در مقاله‌ای با عنوان «تأثیرات بینازبانی جنس دستوری در شناخت و تولید کلمات دوزبانه»، لِموفِر[1] و دیگران (2008) این موضوع را بررسی نموده‌اند که آیا دوزبانه‌هایی که گروه‌های اسمی را در زبان دوم‌شان، هلندی، تشخیص داده یا تولید می‌کنند تحت‌تأثیر جنس دستوری در زبان مادری‌شان، آلمانی، هستند یا نه؟ اسم‌های هلندی که در این آزمون به‌کار گرفته شدند دارای سازگاری یا ناسازگاری جنسی با ترجمهٔ آلمانی بودند. به‌علاوه، وضعیت هم‌ریشگی آن‌ها (شباهت صوری با ترجمه) نیز متفاوت بود. در آزمون اول، شرکت‌کنندگان یک تکلیف تصمیم‌گیری واژگانی مبتنی بر جنس بر روی اسم‌های هلندی انجام دادند. در آزمون دوم آیتم‌ها به‌صورت تصاویر ارائه شد و باید به هلندی نام‌گذاری می‌شد: با یا بدون شناسه‌های نشان‌دار جنسیت. آزمون سوم همان تکرار آزمون دوم بود با این تفاوت که جلسهٔ آموزشی قبلی برای به‌دست‌آوردن داده‌های بیشتر و قابل‌اتکاتر برگزار شده بود. در هر سه آزمون، تأثیرات سازگاری جنسیتی بین دو زبان به‌دست آمد به‌ویژه برای واژه‌های هم‌ریشه. این نتایج ایشان را به این نتیجه رساند که دو سیستم جنسیتی در دوزبانه‌ها باهم برهم‌کنش دارند. تحلیل‌های بیشتر نیز نشان داد این برهم‌کنش در وهلهٔ اول بر ثبات بازنمایی جنسیتی در زبان دوم تأثیر می‌گذارد.

مقالات سال 2009 میلادی

زاهدی و شمس (1388) در پژوهشی با عنوان «خویشاوندی و جنسیت در خانواده و بازتاب آن‌ها در زبان» واژگان خویشاوندی در دو زبان فارسی و انگلیسی را به‌منظور یافتن رابطه میان الگوهای فکری، فرهنگی و نمودهای زبانی آن‌ها موردبحث و بررسی قرار می‌دهند. به‌نظر ایشان، پژوهشگران با درپیش‌گرفتن روشی مقایسه‌ای‌مقابله‌ای و ازطریق بررسی نمودهای زبانی مختلف اعم از فهرست واژگان، هم‌آیی‌ها، اصطلاحات و ضرب‌المثل‌ها سعی دارند تا زوایای مطالعه‌نشدهٔ رابطهٔ میان زبان، تفکر، فرهنگ و به‌ویژه تجلی آن‌ها در حوزهٔ واژگان خویشاوندی را روشن نمایند که بازتاب نوع نگاه به خانواده در فرهنگ هر جامعه است. پس از اشاره به مبانی جامعه‌شناختی زبانی و زبان‌شناختی پژوهش، آن‌ها نمونه‌هایی از داده‌ها که از طریق توزیع پرسش‌نامه و مصاحبه تهیه‌کرده‌اند موردبحث قرارداده و تفاسیر زبانی و فرهنگی مرتبط با هر یک ارائه گشته است. درپایان نیز برآیند تفسیر ارائه‌شده درقالب نتایجی منسجم در مورد الگوهای فرهنگی مشابه و متفاوت در زبان‌های فارسی و انگلیسی بیان می‌شود. نتایج پژوهش فرضیهٔ زاهدی و شمس رابطهٔ میان زبان، تفکر و فرهنگ و کارکرد اصلی زبان را تأیید می‌نماید.

مقالات سال 2010 میلادی

شیرازی‌زاده و غفارثمر (1389) در مقاله‌ای تحت‌عنوان «عناصر جنسیت‌وابستهٔ زبانی در مقالات زبان‌شناسی کاربردی: ارزیابی نسبی مدلی در زبان و جنسیت» کوشیدند اعتبار مدل جنسیت‌وابستگی در متن را در مقالات چاپ‌شدهٔ زبان‌شناسی کاربردی و آموزش زبان که توسط نویسندگان

[1] Lemhöfer

غیرانگلیسی‌زبان نوشته شده‌اند (آرگومون[1]،کوپل[2]، فاین[3] و شیمونی[4])، موردارزیابی قرار دهند. ازاین‌رو، پیکره‌ای نمونه از مقالات موردنظر جمع‌آوری کردند و نسبت واژگان جنسیت‌وابسته به کل واژگان متن را محاسبه نمودند. نتایج نشان داد که هرچند الگوی جنسیت‌وابستگی زبانی در مقالات موردمطالعه که دارای ویژگی گونه‌ای خاصی بودند نیز حاکم است، تفاوت نویسندگان مرد و زن در استفاده از اکثر این عناصر به اندازه‌ای نبود که ازلحاظ آماری معنادار باشد. وجودنداشتن تفاوت معنادار در پیکرهٔ موردمطالعه بین مردان و زنان در استفاده‌از بسیاری از عناصری که آرگومون و دیگران (2003) آن‌ها را «مردپسند» یا «زن‌پسند» می‌دانند، می‌توانست ریشه در «غیرانگلیسی‌زبان‌بودن نویسندگان» یا «گونهٔ خاص متون» موردمطالعه داشته باشد. درواقع ایشان این‌گونه احتمال دادند که ویژگی‌های فوق، امکان بروز عناصر زبانی حاکی از جنسیت مؤلفان را در نگارش آنان تحت‌تأثیر قرار داده و تا حد زیادی دشوار کرده‌اند.

کتابی و دیگران (2010) در مقالهٔ خود با عنوان «جنسیت و ارتباطش با پذیرفتگی و شفافیت نوواژه‌ها: بررسی موردی واژگان عمومی مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی» میزان پذیرفتگی و شفافیت برخی نوواژه‌های مصوب فرهنگستان را درمقایسه با واژگان قرضی بررسی کرده‌اند. هدف این مقاله بررسی رابطهٔ جنسیت شرکت‌کنندگان با میزان پذیرفتگی و شفافیت واژه‌های نوساخته بود و این فرضیه ارائه‌شده است که این نوواژه‌ها برای شرکت‌کنندگان مؤنث از پذیرفتگی بیشتری برخوردار است. برای انجام این پژوهش تعداد 60 دانشجو (31 مرد و 29 زن) به‌صورت تصادفی انتخاب شدند و داده‌ها ازطریق پرسش‌نامه گردآوری شدند. نتیجهٔ به‌دست‌آمده این بود که این واژه‌ها برای خانم‌ها از پذیرفتگی بالاتری برخوردار بودند، گرچه تفاوت بین این دو جنس چندان قابل‌توجه نبود.

در دورهٔ بعدی همان نشریه، نرسیسیان[5] (2010) مقاله‌ای منتشر می‌کند با عنوان «زبان جنسیتی و برخی دردسرهای آن: بازتاب‌های کیفی و کمی در برخی سناریوها» و در آن چندین صحنه از برخی فیلم‌ها که به‌صورت تصادفی انتخاب‌شده‌اند و براساس این باور که فیلم‌ها آینهٔ تمام‌نما یا بخشی از واقعیت‌های اجتماعی هستند، تلاش می‌کند اندیشه‌های دانشمندان زبان‌شناسی اجتماعی یا جامعه‌شناسی زبان همچون لباف، هایمز[6]، فیشمَن[7] و... را به‌ویژه درارتباط‌با مشخصه‌های افعال اجتماعی زنان و مردان در فرایند جهانی‌سازی، توضیح و تفسیر کند.

---

[1] Argomon
[2] Koppel
[3] Fine
[4] Shimoni
[5] Nercissians
[6] Hyams
[7] Fishman

در همان سال، ایلماز[1] (2010) در مقاله‌اش با عنوان «رابطهٔ بین استراتژی‌های زبان‌آموزی، جنسیت، تسلط و باورهای خودکفایی: بررسی دانشجویان رشتهٔ آموزش زبان انگلیسی در ترکیه» استراتژی‌های یادگیری زبان انگلیسی در میان دانشجویان رشتهٔ زبان انگلیسی ثبت نامی در دانشگاه 18 مارس چاناک‌قلعه[2] در ترکیه را بررسی می‌کند. هدف دیگر پژوهش وی بررسی رابطهٔ بین چهار مؤلفهٔ استراتژی‌های زبان‌آموزی، جنسیت، تسلط و باورهای خودکفایی است. بدین‌منظور، پرسش‌نامه‌ای برای 140 شرکت‌کننده در گروه آموزش زبان انگلیسی تهیه شد. نتایج این بررسی نشان داد که بالاترین رتبه (4/79٪) متعلق به استراتژی‌های جبرانی و پایین‌ترین آن (8/63%) متعلق به استراتژی‌های تأثیرگذار بوده است. نتایج این تحقیق همچنین به‌خوبی به تفاوت‌های مهم استراتژی‌ها به نفع زبان‌آموزان اشاره کردند.

مقالات سال 2011 میلادی

نائومی بارون[3] (2011) پای زیست‌شناسی را به تفاوت‌های زبان جنسیتی باز می‌کند و تلاش می‌کند می‌کند به این پرسش پاسخ دهد که آیا این تفاوت دارای پشتوانه‌ای زیست‌شناختی هست یا نه؟ در همان سال، انصاریان و بطحایی (2011) مقاله‌ای را ارائه نمودند با عنوان «اکراه به‌عنوان نمایهٔ درک جنسیتی در مقالات پژوهشی زبان‌شناسی کاربردی» و در آن، نقش جنسیت‌های مختلف به‌عنوان شرکت‌کنندگان در این پدیدهٔ اجتماعی (یعنی مقالات پژوهشی) را خنثی درنظر گرفتند، گویا جنسیت تأثیری در ساخت هویت فرد ندارد! به گفتهٔ ایشان، مطالعاتی که در زبان انگلیسی انجام‌شده نشانگر آن است که زبان خانم‌ها نسبتاً دارای میزان اکراه بیشتری است و از همین روی، ادعاشده که اکراه نوعی استراتژی است که عمدتاً توسط خانم‌های نویسنده به‌کار می‌رود تا آقایان. انصاریان و بطحایی (2011) برای آزمودن نقش جنسیت در ساختار متن، تحقق زبانی هویت‌های بازتاب یافته در انتخاب واژگان اکراهی به‌وسیلهٔ نویسندگان خانم و آقا در مقالات پژوهشی حوزهٔ زبان‌شناسی کاربردی را موردتحقیق‌وبررسی قراردادند. به این منظور، تعداد 130 مقاله دارای یک نویسنده را که درزمینهٔ زبان‌شناسی کاربردی نوشته‌شده بود، موردبررسی قرار دادند. نتایج نشان دادند تفاوت‌های بارزی بین دو مجموعه مقاله درزمینهٔ به‌کارگیری اکراه وجود دارد. تحلیل آماری نشان داده در مقاله‌های خانم‌های نویسنده، اکراه به‌شدت (یعنی p-value=0.000) به‌چشم می‌خورد، درحالی‌که مقاله‌های آقایان این‌چنین نبود. به‌علاوه، این پژوهش به این نتیجه رسید که واژگان اکراهی که در مقالات مورداستفاده قرار می‌گیرد می‌تواند به‌عنوان نمایه‌ای تلقی شود که جنسیت نگارنده را از طریق آن تشخیص داد.

---

[1] Yilmaz
[2] Canakkale Onsekiz Mart University
[3] Naomi Baron

مقالات سال 2012 میلادی

در سال 2012، پای این مقوله به جرم‌شناسی هم باز شد؛ ایستیل[1] و دیگران (2012) مقاله‌ای را در یک نشریهٔ حقوقی منتشر نمودند با عنوان «زبان، جنسیت و حقیقت: خشونت علیه زنان». درواقع این مقاله مبانی نظری و مثال‌هایی را دربارهٔ رابطهٔ بین جنسیت، زبان، شناخت و ادراک در بافت حقوق جزا بررسی نمود. نگارندگان خشونت‌های خانگی و سوءاستفاده‌های جنسی و اینکه چگونه واژگان و سبک‌های ارتباطی بر تفکر و اعتقاد ما بر «حقیقت» تأثیر می‌گذارند و از آن تأثیر می‌پذیرند، موردتوجه قرار داده‌اند. این مقاله مثال‌هایی ارائه می‌کند از اینکه چگونه زبان به‌کاررفته برای توصیف خشونت علیه زنان می‌تواند برای کاهش این اعمال به‌کار گرفته شود و اینکه سبک محاورهٔ غالب و گویش زنان قربانی خشونت ممکن است تصادم کنند تا مسائل مربوط به مدارک و شکاف اعتباری ایجاد کند. ایشان استدلال کرده‌اند که یک دوراهی ذاتی در مواجهه با ساخت‌های حقوقی، که همچنان درک خانم‌ها از حقیقت را نفی می‌کنند، وجود دارد و صدای قربانیان تجاوز به زنان و خشونت خانگی از طریق «صدا»ی سیستم قضایی ساکت می‌شود.

مقالهٔ دیگری با عنوان «رابطهٔ بین جنسیت و قطع گفتار: بررسی جامعه‌شناسی زبان» توسط کریم‌خانلویی و دیگران (1391) در سال 2012 منتشر شد و در آن برای ارزیابی یکی از تفاوت‌های رفتار زبانی زنان و مردان در چارچوب نظریهٔ تسلط[2] کوشش شد. هدف از انجام این پژوهش، ارزیابی شاخص تسلط مکالمه‌ای قطع گفتار بر پایهٔ نظریهٔ تسلط در جامعهٔ فارسی‌زبان و بررسی عوامل سه‌گانهٔ مؤثر بر قطع گفتار (اظهارنظرهای مستقیم، انحراف از موضوع و قیدها و فعل‌های تردیدآمیز) بود. بر این اساس، شاخص قطع گفتار و شاخص‌های سه‌گانهٔ مؤثر بر قطع گفتار در محیط‌های مختلط و هم‌جنس درنظر گرفته شد و سپس این شاخص‌ها در چهل مصاحبهٔ دومرحله‌ای (10 مرد و 10 زن دانشجو بین 18تا24 سال) موردارزیابی قرار گرفت. زنان و مردان در محیط‌های مختلف، براساس کاربرد قطع گفتار، رفتار متفاوتی از خود نشان دادند و نمود زبانی نگرش جنسیت‌مدار در جامعهٔ امروز فارسی‌زبان ملموس بود. براساس این پژوهش، نوع رابطهٔ هر یک از شاخص‌های مؤثر بر قطع گفتار با قطع گفتار بررسی شد و چارچوب ارائه‌شده توسط نظریهٔ تسلط در میان فارسی‌زبانان، ناکارآمد تشخیص داده شد.

مقالات سال 2013 میلادی

از میان مقالات خروجی کنفرانس مطالعات زبان در آکدنیز[3] ترکیه در سال2012، مقاله‌ی قابل‌توجه‌ای با عنوان «زبان و جنسیت: مطالعهٔ نوایی کلام گویشوران ایرانی» تألیف خواهران حیدری‌دارانی که تلاشی است برای بررسی تأثیر جنسیت بر رفتار نوایی گویشوران مرد و زن ایرانی در

[1] Easteal
[2] Dominance Theory
[3] Akdeniz Language Studies Conference, May, 2012, Turkey

موقعیت‌های هم‌جنسیتی و چندجنسیتی در سال 2013 در مجله علوم رفتاری و اجتماعی پروسِدیا[1] به چاپ رسیده است. در این پژوهش این فرضیه ارائه‌شده است که جنسیت گویشوران عامل تأثیرگذاری برای ایجاد تمایز در رفتار زبانی ایشان است، درحالی‌که دیگر عوامل مثل آشنایی با بافت، چنین نیستند. ایشان جفت‌گویشوران مرد و زن را که گفتار کاملاً رسمی داشتند از دیدگاه آکوستیکی و ازطریق اندازه‌گیری بسامد گفتارشان بررسی نمودند. نرم‌افزار ANOVA بر روی‌داده‌ها پیاده شد و نتایج نشان دادند زنان در گفتگو با جنس مخالف دارای نواک[2] پایین‌تری نسبت به گفتگوهایشان با هم‌جنس هستند. در مقابل، مردان نشان دادند که در گفتگو با جنس مخالف دارای نواک بالاتری هستند. این موضوع نشان می‌داد که واکنش زبان‌شناختی مردان و زنان در موقعیت‌های یکسان، مشابه هم نبوده و تلاش برای پافشاری بر تفاوت‌های زبانی کاملاً متأثر از تفاوت‌های جنسیتی است.

مولاک[3] و دیگران (2013) «تأثیرات زبانی مرتبط با جنسیت» را ازطریق «آزمون تجربی انگارهٔ پردازش عمومی» بررسی نمودند. به‌باور ایشان، ارتباط‌گیرندگان خانم ازنظر تأثیرات زبانی مرتبط با جنسیت[4] نمرهٔ بالاتری را از حیث وضعیت فکری‌اجتماعی و نیز کیفیت زیبایی‌شناختی کسب می‌کنند و ارتباط‌گیرندگان مرد ازحیث پویایی نمرهٔ بالاتری به‌دست می‌آورند. این پژوهش یک انگارهٔ پردازشی عمومی جدیدی را برای تأثیرات زبانی مرتبط با جنسیت ارائه کرد و آزمود. شرکت‌کنندگان 5 عکس منظره را در نوشتار توصیف کردند. از آن‌ها خواسته شد اولین تصویر را بدون راهنمایی اضافه‌ای توصیف کنند. چهار عکس دیگر که به‌صورت تصادفی مرتب‌شده بودند تحت دو دستورالعمل توصیف شدند: «تصور کنید که شما مرد هستید» و «تصور کنید شما زن هستید». تحت این دو دستورالعمل، شرکت‌کنندگان عکس را «برای یک مرد» و «برای یک زن» توصیف کردند. پیاده‌سازی‌شدهٔ گفتار شرکت‌کنندگان با مشخصه‌های تفکیک‌کننده زن از مرد کد نویسی شد. تحلیل تفکیکی نشان داد که زبان مورداستفاده توسط پاسخ‌دهندگان زن و مرد در حالت فرضی مردانه باحالت فرضی زنانه متفاوت بود، که این خود طرحوارهٔ زبانی مرتبط با جنسیت ارتباط‌گیرندگان و انگارهٔ پردازشی جدید را تأیید می‌نمود.

مقالات سال 2014 میلادی

سال 2014 نیز شاهد انتشار مقالات متعددی در حوزهٔ زبان و جنسیت بود که هم جنبهٔ ادبی و هم کاربردی و هم نظری داشتند؛ از میان آنان می‌توان به مقالهٔ محمودی‌بختیاری و دهقانی (2014) اشاره نمود که «رابطهٔ زبان و جنسیت در داستان‌های معاصر فارسی...» را بررسی نمودند، یا مقالهٔ بنت رفیق و دیگران (2014) که «زبان و جنسیت...» را در «...آموزش زبان دوم» بررسی نمودند و یا «هویت

---

[1] Procedia - Social and Behavioral Sciences
[2] Pitch
[3] Mulock
[4] Gender-Linked Language Effect

جنسیتی و تنوع واژگانی در رسانه‌های اجتماعی» که توسط بامان[1] و دیگران (2014) نگاشته شد، اشاره نمود. از این میان، مقالهٔ آخر را بررسی می‌کنیم. در این مقاله، رابطهٔ بین جنسیت، سبک زبانی و شبکه‌های اجتماعی، با استفاده از پیکرهٔ 14000 کاربر توئیتر[2]، بررسی‌شده است. به‌اعتقاد ایشان، کارهای کمّی پیشین دربارهٔ جنسیت غالباً با متغیر اجتماعی دوگانهٔ زن/مرد طرف هستند، ولی آن‌ها با رویکرد متنوع‌تری بحث می‌کنند. آن‌ها ازطریق خوشه‌بندی کاربران توئیتر توانستند یک تفکیک طبیعی از مجموعهٔ داده‌ها به سبک‌ها و علاقه‌مندی‌های موضوع بسازند. بسیاری خوشه‌ها جهت‌گیری‌های جنسیتی قوی دارند، ولی استفادهٔ آن‌ها از منابع زبانی گاهی مستقیماً با آمار زبانی سطح جمعیتی تعارض دارد. ایشان این خوشه‌ها را به‌صورت بازتاب دقیق‌تر طبیعت چندوجهی سبک‌های جنسیتی زبان می‌دیدند. به‌گفتهٔ نگارندگان، آثار پیکره‌بنیاد پیشین حرف چندانی برای گفتن دربارهٔ افرادی که سبک زبانی‌شان از الگوهای جنسیتی سطح جمعیت تبعیت نمی‌کند، ندارد. به‌این‌ترتیب، این نتیجه حاصل می‌شود که ترکیب روش‌های رایانشی و نظریهٔ اجتماعی نظرگاه جدیدی دربارهٔ چگونگی پیدایی جنسیت، هنگامی‌که افراد خود را نسبت به مخاطبان، موضوعات و هنجارهای جنسیتی قرار می‌دهند، ارائه می‌دهد.

مقالات سال 2015 میلادی

دو اثر در سال 2015 منتشر شدند که باید از آن‌ها نامی به‌میان بیاوریم: یکی مقالهٔ «ابعاد دستور نوشتاری: گروه زبانی و تفاوت جنسیتی» نگاشتهٔ بابایغیت[3] (2015) و دیگری مقالهٔ «جنسیت و زبان: ملاحظات فرهنگی» تألیف ووداک[4] (2015). ووداک با اظهار اینکه پژوهش درزمینهٔ زبان و جنسیت در آمریکا در دهه‌های 60 و 70 م آغاز شد و به‌سرعت سراسر جهان غرب را درنوردید، این نکته را متذکر می‌شود که پژوهش در آن دهه‌ها کاملاً مربوط بود به جنبش‌های آزادی زنان و پیامدهای عملی بسیاری داشت همچون ایجاد رهنمودهایی برای رفتار زبانی غیرتبعیض‌آمیز برای اهداف رسمی در امور اداری، رسانه‌ها، ناشران و جز آن‌ها. سپس ایشان به تمرکز این مطالعات در قرن حاضر می‌پردازد و اشاره می‌کند که هم‌اکنون ما با تمرکز بر آثار مهم با نقد و نیز ادغام ابعاد مختلفی مثل طبقهٔ اجتماعی، جنسیت، قومیت و غیره، در پژوهش تجربی واقعی مواجه هستیم: رویکردی که نام آن را میان‌بخشیّت[5] می‌گذاریم. به‌علاوه اینکه جنبهٔ اجرایی فعالیت‌های مربوط به زبان اجتماعی و جنسیتی درحال برجسته‌شدن است.

---

[1] Bamman
[2] Twitter
[3] Babayigit
[4] Wodak
[5] Intersectionality

مقالات سال 2016 میلادی

می‌خواهیم از آثار منتشرشده در سال 2016 به مقالهٔ «تفاوت‌های جنسیتی در رابطهٔ بین زبان و توانش اجتماعی در کودکان پیش‌دبستان» اثر لونگوباردی و دیگران (2016) اشاره کنیم. در این مقاله، ایشان تفاوت‌های جنسیتی در رابطهٔ بین زبان و توانش اجتماعی را بررسی نمودند و بدین‌منظور 268 کودک در سنین پیش‌از دبستان (بین 18 و 35 ماهگی) در این پژوهش شرکت کردند و درنهایت به این نتیجه رسیدند که زبان در کودکان پسر بسیار بیش‌از کودکان دختر با توانش اجتماعی مرتبط است.

نتیجه‌گیری

در این بررسی ابتدا به نظریات دو چهرهٔ برجستهٔ پژوهش درزمینهٔ زبان و جنسیت پرداختیم تا زمینه‌ای را برای بررسی آثار منتشرشده بین سال‌های 2008تا2016 به‌دست دهیم و سپس 19 مقالهٔ منتشرشده در بین این سال‌ها را بررسی نمودیم. چه در کار تانن و لیکاف و چه در دیگر پژوهش‌ها، تمرکز اصلی بر مطالعهٔ رفتار زبانی زنان قرار دارد و به‌نظر می‌رسد این مقایسهٔ جنسیتی صرفاً ابزاری است برای مطالعهٔ رفتار زبانی زنان.

مفهوم جنسیت نباید به‌صورت تک‌بعدی و بدون تلفیق متغیرها و الگوهای فرهنگی مربوط به هر جامعه موردبررسی قرار گیرد. بدین مفهوم که پژوهش‌های این حوزه باید از نظریه‌های اجتماعی مرتبط بهره گیرند. این درحالی است که در پژوهش‌هایی که موردبررسی قرار گرفتند مفهوم جنسیت به‌طوردقیق تعریف نشده است؛ درواقع نظریه‌های جنسیتی مطرح هیچ جایگاهی در این پژوهش‌ها ندارند. و درنتیجه موجب موردغفلت واقع‌شدن بسیاری از موضوع‌های مرتبط در این زمینه می‌شود. به‌همین دلیل است که این نوع مطالعات به گزارش آمار و ارقام و مطالعهٔ میدانی ختم شده‌اند و هیچ‌چگونه توصیف و تحلیل اجتماعی به‌همراه ندارند.

در مقالات پس‌از سال 2008، پژوهشگران حوزهٔ زبان‌شناسی کاربردی بیش‌از دیگران علاقه‌مند به بررسی تأثیر و نقش جنسیت در زبان بوده‌اند و این تأثیر را به‌ویژه درزمینهٔ آموزش زبان دوم موردتوجه قرار داده‌اند. البته نباید این‌گونه تصور شود که تألیفات در این زمینه به مقالات محدود می‌شود؛ در همین بازهٔ زمانی موردبررسی ما، کتاب‌هایی هم در این زمینه نگاشته شده‌اند با عنوان دقیق «زبان و جنسیت». ارائهٔ خلاصه‌ای از آن‌ها، به‌خصوص با رویکرد عدالت جنسیتی و فمینیسم حاکم بر این آثار نیز می‌تواند در نگاشتهٔ دیگری انجام شود.

منابع و ارجاعات

زاهدی، کیوان؛ شمس، محمدعلی (1388). « خویشاوندی و جنسیت در خانواده و بازتاب آن‌ها در زبان». فصلنامه خانواده پژوهی، دوره 5، شماره 19، صص 308-281.

شیرازی زاده، محسن، غفارثمر، رضا (1389). « عناصر جنسیت-وابسته زبانی در مقالات زبان‌شناسی کاربردی: ارزیابی نسبی مدلی در زبان و جنسیت»، زبان‌شناسی کاربردی، دوره 3، شماره 1 (پیاپی 6)، صص 84-70.

کریم خانلویی، گیتی؛ محمودی بختیاری، بهروز؛ رهبر، بهزاد (1391). «رابطه جنسیت و قطع گفتار: بررسی جامعه‌شناختی زبان»، جستارهای زبانی، دوره 3، شماره 4(12)، صص 147-135.

References

Ansarian, Ali Akbar, and Bathaei, Mahnaz S. (2011). "Hedging as an Index of Gender Realization in Research Articles in Applied Linguistics", Iranian Journal of Applied Language Studies, Vol. 3, No. 2, pp 85-108.

Argamon, S. Koppel, M. Fine J. and Shimoni, A.(2003), Gender, Genre, and Writing Style in Formal Written Texts, *Text* , 23(3), August 2003.

Babayigit, Selma (2015). "The dimensions of written expression: Language group and gender differences". Learning and Instruction, Vol. 35, pp. 33-41.

Bamman, David; Eisenstein, Jacob; Schnoebelen, Tyler (2014). "Gender identity and lexical variation in social media". Journal of Sociolinguistics, Vol. 18, Issue 2, pp. 135–160.

Baron, Naomi S. (2011). "Is biology behind gender language differences?", Volume 211, Issue 2827, Pages 50.

Binti Rafeka, Mahfuzah; Bt Ramlia, Nur Hani Laily; Bt Iksana, Halimatussaadiah; Mohd Haritha, Nurhazlin; Bt Che Absab, Athirah Izzah (2014). "Gender and Language: Communication Apprehension in Second Language Learning". Procedia- Social and Behavioral Sciences, Vol. 123, pp. 90–96.

Brown, Penelope and Levinson, Stephen C. (1986). *Politeness: Some Universals in Language Usage.* Cambridge: Cambridge University Press.

Conley, John, O'Barr, William M., and Lind, E. Allen (1979). The power of language: Presentational style in the courtroom. *Duke Law Journal.* pp.1375–99.

Easteal, Patricia, Lorana, Bartlels, Bradford, Sally (2012). "Language, gender and 'reality': Violence against women". International Journal of Law, Crime and Justice, Vol. 40, Issue 4, pp. 324–337.

Heidari Darani, Laya; Heidari Darani, Hourieh (2013). "Language and Gender: A Prosodic Study of Iranian Speakers' Talks". Procedia: Social and Behavioral Sciences, Vol. 70, pp. 423-429.

Ketabi S., Aghili M., Abou Alhashemi M. (2010). "Gender and its Relation to Acceptability and Transparency of Neologisms: A Case Study of General

Words Approved by Academy of Persian Language and Literature", Woman in Culture and Art (Women's Research), Vol. 1, No. 3, pp 99-108.

Lakoff, Robin (1975). "Language and Woman's Place", Language in Society, Vol. 2, No. 1 (Apr. 1973), pp. 45-80.

Lakoff, R. (2003) Language, Gender, and Politics: Putting "Women" and "Power" in the Same Sentence, in The Handbook of Language and Gender (eds J. Holmes and M. Meyerhoff), Blackwell Publishing Ltd, Oxford, UK. doi: 10.1002/9780470756942.ch7 (Published Online: 11 JAN 2008)

Lemhöfer, Kristin, Spalek, Katharina, and Schriefers, Herbert (2008). "Cross-language effects of grammatical gender in bilingual word recognition and production", Journal of Memory and Language, Volume 59, Issue 3, pp. 312–330.

Longobardi, Emiddia; Spataro, Pietro; Frigerio, Alessandra; Rescorla (2016). "Gender differences in the relationship between language and social competence in preschool children". Infant Behavior and Development, Vol. 43, pp. 1-4.

Mahmoodi Bakhtiari, Behrooz; Dehghani, Maryam (2014). "The Relationship of Language and Gender in the Contemporary Persian Novels: a Study of six Works". Women in Culture and Art (Women's Research), Vol. 5, No. 4, pp. 543-556.

Mulac, Anthony; Giles, Howard; Bradac, James J.; Palomares, Nicholas A. (2013). "The gender-linked language effect: an empirical test of a general process model". Language Sciences, Vol. 38, pp. 22–31.

Nercissians, E. (2010). "The Gender Language and Some Cases its quantitative and Qualitative Reflections in Some Scenarios", Women in Culture and Art (Women's Research), Vol. 2, No. 1, pp. 41-54.

Tannen, Deborah (1990). You Just Don't Understand: Women and Men in Conversation. Virago Press.

Wodak, Ruth (2015). "Gender and Language: Cultural Concerns". International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences, 2nd ed., pp. 698-703.

Yilmaz, Cevdet (2010). "The relationship between language learning strategies, gender, proficiency and self-efficacy beliefs: a study of ELT learners in Turkey", Procedia - Social and Behavioral Sciences, Volume 2, Issue 2, pp. 682-687.

HOW TO CITE THIS ARTICLE

Moradi, R. (2017). A review on gender linguistics studies. *Language Art*, 2(2):pp.55-68, Shiraz, Iran. [in Persian]

DOI: 10.22046/LA.2017.12

URL:http://www.languageart.ir/index.php/LA/article/view/32

Language Art,2(2): pp. 55-68, 2017, Shiraz, Iran
DOI: 10.22046/LA.2017.12
Article No.: 22.31.139602.5568

ORIGINAL RESEARCH PAPER

A Review on Gender Linguistics Studies



Roozbeh Moradi [1]

MA Student of General Linguistics, Payame Noor University (PNU), Tehran, Iran.

(Received: 11 March 2017; Accepted: 30 April 2017)

Gender linguistics is a cynosure branch within the framework of language sociology and it deals with the effect that gender, as a variable, has on the creation of lingual diversities. Because a great many of the social-cultural concepts, including gender, are multifaceted, one-dimensional and absolute perceptions of such concepts lead to some sort of superficiality, particularly in research areas. The present article, firstly, deals with the presentation of the notions opined by two prominent figures of the field, namely Robin Lakoff, 1975 and Deborah Tannen, 1990. Then, it is attempted, through a probe into the most recent studies carried out in the years from 2008 to 2016, to elaborate more on this study field. The results of the study are indicative of the idea that the Applied Linguistics researchers are more interested than the other. In the survey of gender effect and its role in language, this effect has been, especially, evaluated regarding the second language learning, but this field of study is found with numerous shortcomings, the most important of which is the negligence of the propounded gender-related theories.

Keywords: Gender Linguistic, Applied Linguistics, Gender-Related Theories, Language Structures, Language Applications.

[1] E-mail: info@rmoradi.ir